



ویژگی‌های حکومت و کارگزاران حضرت مهدی (عج)

حجة الاسلام محمدعلی حائری

در قرآن و حدیث

■ مقدمه

موضوع حکومت حضرت مهدی (عج) و کارگزاران او از مهمترین و بحث‌انگیزترین موضوعاتی است که از گذشته‌های دور در میان ادیان مختلف آسمانی مطرح بوده است. که بیرون ادیان آسمانی حداقل سه دین اسلام، مسیحیت و یهود در این عقیده مشترک است که آینده جهان به دست صالحان و خداپرستان است. از این رو هر کدام از ادیان، حکومت آخرالزمان را از آن خود می‌دانند به‌طور مثال مسیحیان، منجی آخرالزمان را حضرت مسیح می‌دانند در حالی که مسلمانان معتقدند او از نسل پیامبر اسلام (ص) است و دین او اسلام و براساس شریعت محمّدی قیام و حکم می‌راند. از این رو در این نوشته برآنیم که ویژگی‌های حکومت و کارگزاران حضرت مهدی (عج) را به‌طور مختصر از منظر قرآن و حدیث مورد تحقیق و بررسی قرار دهیم.

■ ماهیت حکومت جهانی مهدویت

حکومت جهان اسلام به رهبری امام زمان (عج) دارای روح و ماهیت ویژه‌ای است که دیگر حکومتها از آن بی‌بهره‌اند. ماهیت حکومت اسلام، آموزه‌های وحیانی است که به او تعلیم می‌دهد که خدای او یکی است و فقط باید در برابر او عبادت و کرنش کند و در رفتار و کردارش از دایره بندگی خدا بیرون نرود زیرا فرمود: «یعبدوننی لا تشرکون بی شیئا»^(۱) این حکومت پیامی دارد که در بستر عمل به ارزشهای وحیانی، دنیای بهتری را به وی ارزانی بدارد و متأسفانه آنچه در حکومت امروز بشری کمتر یا اصلاً به چشم نمی‌خورد

خداست و عدم پای‌بندی به وحی و اخلاق و ارزشهای معنوی است.

اساساً تاروپود حکومت مادی بر سرمایه‌اندوزی، مال‌پرستی و سود بیشتر از هر طریق و ترفندی بناگذاری شده است. و این تاروپود جای عشق به خوبی‌ها، ارزشها، ایثار و مجاهدت‌ها و بالأخره زیباییهای زندگی را اشغال کرده به‌طوری که جامعه‌ی انسانی را از گردونه‌ی خوبی‌ها حذف نموده. بنابراین حکومت مادی بر این پندار است که دین و امور معنوی در پیوندهای اجتماعی ناکارآمد است و این پندار تا جایی در افکار و اندیشه جامعه بشری ریشه کرده که معتقد است تمدن و حکومت را باید بدون

در نظر گرفتن ارزشها پایه‌ریزی کرد. استاد شهید مرتضی مطهری در این باره می‌نویسد: «فکر خدا و زندگی اخروی را باید کنار گذاشت ... باید رافت و رقت قلب را دور انداخت، رافت از عجز است، فروتنی و فرمانبرداری از فرومایگی است. حلم و حوصله، عفو و اغماض، از بی‌همتی و مستی است. مردانگی باید اختیار کرد. بشر باید به مرحله مرد برتر برسد، عزم و اراده داشته باشد این است روح حکومت مادی غرب که از باب نمونه به آن اشاره کردیم»^(۲)

ولی حکومت جهانی مهدویت که به همت توانای امام عصر (عج) توسعه و گسترش می‌یابد براساس وحی و ماهیت

دینی جلوه‌گری می‌کند دارای چند ویژگی خواهد بود.

۱- عدل و احسان

در حکومت جهانی اسلام عدل و احسان سنگ زیرین است.

اجرای عدالت اجتماعی و گسترش آن از بنیادی‌ترین حکومت مهندویت است که پیامبر اکرم(ص) نیز و امام بعد از آن بر این حقیقت انگشت نهاده‌اند که امام زمان(عج) خواهد آمد و جهان پر از ظلم و جور را پر از عدل و داد خواهد کرد.^(۳) بنابراین می‌توان گفت سرآغاز انقلاب اجتماعی و حکومت جهانی آن حضرت اجرای عدالت براساس دین است. و این اجرای عدالت نیازمند کارگزاران و کارکنانی عادل و نیکوکار است. او، ادامه‌دهنده‌ی راه پیامبران و اولیاء است.

«لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط»^(۴)؛ ما فرستادگان خود را با نشانه‌های روشن و پیغامهای راست فرستادیم و با ایشان کتاب و ترازو فرستادیم تا مردمان را به دادگری به پا دارند. از این رو همانطور که پیامبران وظیفه داشتند که برابر کتاب و میزان، مردمان را به دادگری به پا دارند حضرت مهدی(عج) نیز وظیفه دارد بر سیره پیامبران، جامعه انسانی را به دادگری به پا دارد و از نارواها و ستم بازدارد.

«ان الله یامر بالعدل و الاحسان و ایتاء ذی القربى و ینهى عن الفحشاء و المنکر و البغی...»^(۵)؛ خدا به عدل و احسان و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد از فحشا و زشتکاری و ستم نهی می‌کند.

این آیه اصول ارزشهای فردی و اجتماعی را ترسیم کرده و نیز از ضد ارزش‌ها و پلیدی‌ها بازداشته است و این آیه به معنای واقعی و کامل در عصر ظهور پیاده خواهد شد، عدل یعنی نگهداشت دقیق حقوق مردمان و مبارزه فراگیر، و همه‌سویه با نابرابریها و احسان، جایگاه برتری در میان ارزشهای اجتماعی اسلام دارد که به یک معنا بالاتر از عدالت است. زیرا اگر در هر حکومتی پایه‌های حقوقی انسانی، براساس عدالت اجتماعی استوار گردد، در این صورت جلوه‌های احسان و نیکوکاری، فضای

جامعه را می‌آکند.

به فرموده امام علی(ع) عدل قانونی است فراگیر و قابل گسترش «سانس عام»^(۶) و احسان نیز ارزشی است ویژه: «عارض خاص»^(۷) وظیفه اولیه در هر حکومت و جامعه‌ای به‌خصوص در جامعه‌ی دینی نهادینه کردن بنیادهای اجتماعی براساس عدل است اگر مردم در حکومتی که همه‌ی نهادها و ارکان آن بر هرم عدل استوار گشته باشند، در آنوقت است که ریشه‌های نوع‌دوستی، برادری، مهرورزی، توانا می‌گردند. همانطور که در ابتدای این فصل اشاره شد ماهیت اصلی حکومت جهانی مهندویت دائرمدار بندگی و عبودیت است، همان که خدای متعال به آن فرمان داده.

«امر الّا تعبدوا الّا الّا»^(۸)

عبودیت و بندگی وقتی به اوج می‌رسد که بنده آنچه را که معبودش از همه چیز بیشتر دوست دارد، در راه پیاده کردن آن تلاش ورزد. اسماعیل بن مسلم می‌گوید: در محضر امام صادق(ع) بودم که شخصی از آن حضرت پرسید بین این دو آیه: «ان الله یامر بالعدل و الاحسان» و «امر ریبی الّا تعبدوا الّا الّا» چگونه می‌توان جمع کرد. حضرت فرمود: «نعم، لیس فی عبادة امر الّا العدل و الاحسان»^(۹) بلی، خداوند برای بندگان خود دستوری ندارد جز اجرای عدالت و عمل به احسان.

به عبارت دیگر «عدل» نماد فرهنگ اجتماعی اسلام است و «احسان» نماد فرهنگ اخلاقی آن. اگر این دو رکن رکن در جامعه و حکومتی رواج یابد و ساختار اجتماعی آن حکومت بر این دو استوار و پایه‌ریزی گردد دو واقعیت دیگر که از ویژگیهای فرهنگ و حکومت جهانی مهندویت است روشن می‌گردد.

تراز حکومت حضرت مهدی(عج) عدل است که در پرتوی آن، دیگر ارزشها جایگاه واقعی خود را می‌یابند.

مرحوم شیخ صدوق در این باره می‌گوید: «یظهر الله به الأرض من کل جور و یقدسها من کل ظلم... فاذا خرج وضع میزان العدل بین الناس، فلا یظلم احد احد»^(۱۰)

در حکومت جهانی حضرت مهدی جهان از هرگونه ستم پاک می‌شود. آن‌گاه که

ظهور کند، میزان عدل را در میان جامعه بشری بنا خواهد کرد، هیچ‌کس به دیگری ستم روا نخواهد داشت.

۲- استحکام پیوندهای اجتماعی

به‌طور کلی تاروپود و ساختار هر تمدنی و حکومتی را افراد آن می‌سازند. جامعه بشری با برخورداری از روح جمعی، پایه‌های حکومت را بنا می‌کنند و بر پویایی و شکوفایی آن می‌افزایند انسانها پاره‌های پیکر هر حکومت می‌مانند که به هر نسبت پیوند و زندگی جمعی آنان بیشتر باشد آثار پیشرفت و توسعه در آن حکومت نمایان‌تر است. در آموزه‌های اسلامی مفاهیم و واژه‌هایی وجود دارد که پیام آنها بنیان‌گذاری و شکوفاسازی و استحکام روحیه جمعی و اجتماعی است. مانند این کلمات «تواذ»^(۱۱) «تراحم» «تعاضد»^(۱۲) «تواصی»^(۱۳) و از همه گویاتر واژه «تعاون» که خداوند در قرآن بعنوان یک دستور اجتماعی به انسانها می‌فرماید.

«تعاونوا علی البرّ و التقوی ولا تعاونوا علی الأثم و العداون»^(۱۴) در نیکوکاری و خویشن‌داری یکدیگر را همکاری کنید، گناه و تجاوز همکاری نکنید.

بنابراین از آیات و روایات بخوبی استفاده می‌شود که تعاون بر نیکی و نیکویی، به مفهوم گسترده آن فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی در یکی از ابزارهای تمدن اسلامی است و روشن است که پیدایش روح جمعی و تعاون ساخته و پرداخته حکومت اسلامی است.

پیدایش این روحیه در جامعه اسلامی، پیشرفتهای مادی و معنوی و توسعه مادی و تکامل معنوی گسترده‌ای به دنبال دارد و در زمینه‌های عاطفی و اخلاقی نیز از سازندگی چشم‌گیری برخوردار است.

استاد مطهری می‌نویسد: «زنده بودن اجتماع به این است که در افراد آن اجتماع روح اجتماعی و حسن اجتماعی و عاطفه اجتماعی وجود داشته باشد... یعنی خودت را همواره به جای دیگران بگذار و برای آنها همان را بپسند که برای خود می‌پسندی و همان را کراهت داشته باشی که برای خویشن‌گراحت داری»^(۱۵)

همان‌طور که گفته شد مسئله تعاون نقش حیاتی در تمدن و جوامع بشری دارد از

این رو در سیره و روش زندگی پیامبر(ص) و امامان معصوم(علیهم السلام) به نمونه‌هایی برمی‌خوریم که بر این اصل بلند و بنیادی به روشنی تأکید شده است. در تاریخ آمده که روزی پیامبر(ص) در سفری که همراه یاران بودند در منزل گاهی برای پخت غذا نیاز به هیزم بود پیامبر نیز در این کار همکاری می‌کند.^(۱۶) و یا آن حضرت در کندن خندق در اطراف مدینه برای خود سهمی قرار داد و شروع به کندن می‌کند.^(۱۷)

در سیره امام علی(ع) نیز نمونه‌هایی فراوان دیده می‌شود که آن حضرت در کارها و حرکت‌های جمعی شرکت می‌جوید. امام صادق(ع) در هنگامه‌ها با مردم همراه می‌شود که از جمله در زمان خشکسالی مدینه آنچه برای خود ذخیره کرده بود که تا پایان سال به مصرف برساند، به بازار عرضه کرد، که مبادا ذخیره‌سازی او به مردم آسیب برساند.

در مدینه، داستان ایثار و تعاون انصار نسبت به مهاجران، آنچنان گویا و روشن است که هرکس اندک آشنایی با آیات قرآن داشته باشد به این حقیقت پی می‌برد قرآن از این روحیه و سیره‌ی مسلمانان به نیکی و زیبایی یاد می‌کند و با این شیوه، ساختار حکومت اسلامی را که به دست توانای پیامبر اکرم(ص) و مسلمانان با ایمان و خالص پایه‌ریزی شده، ترسیم می‌کند.

«والذین تبوء الدار والايمان من قبلهم يحبون من هاجر اليهم ولا يجدون في صدورهم حاجة مما اوتوا و يؤثرون على انفسهم ولو كان بهم خصاصة و من يوق شح نفسه فاولئك هم المفلحون»^(۱۸) کسانی که قبل از ایشان در مدینه و در ایمان جای گرفتند در حالی که هرکس را که به سوی آنان هجرت کرد دوست می‌داشتند و در دل خویش نسبت به آنچه داشتند نیازی احساس نمی‌کردند و دیگران را بر خویش مقدم می‌داشتند، گرچه آن چیز ویژه ایشان می‌بود و کسانی که بخل از درون مهار کنند، همانا رستگارانند».

خلاصه سخن اینکه این ویژگی در ساختار حکومت اسلامی و شکوفایی آن نقش بنیادی و اساسی داشته است و همین ویژگی در حکومت جهانی حضرت مهدی

نیز به گونه‌ی گسترده پدیدار خواهد شد.

در حکومت جهانی مهدویت ارزشهای انسانی مانند:

ایثار، انسان دوستی، تعاون و نوع دوستی، برادری، امداد رسانی آنچنان ریشه‌دار و از استحکامی برخوردار است که گویی همگی در یک خانواده زندگی می‌کنند و نیازهای خویش را از جیب و کیسه‌ی یکدیگر بدون مانع برطرف می‌سازند «من» و «تو» در آن جامعه مفهومی ندارد بلکه آنچه معنا و حقیقت دارد «ما» است که خود را می‌نمایند.

«قال اسحاق بن عمار: كنت عند ابي عبد الله (ع) فذكر مواصلة الرجل لأخوانه و ما يجب عليهم فدخلني من ذلك امر عظيم. فقال انما ذلك اذا قام قائمنا و جب عليهم ان يجهزوا اخوانهم و يقوؤهم».^(۱۹) اسحاق بن عمار می‌گوید نزد امام صادق(ع) بودم و از یاری و غمخواری هرکس با برادرانش و آنچه بر آنان واجب است سخن به میان آمد.

من از این موضوع در شگفت شدم امام(ع) فرمود: این هنگامی است که قائم ما قیام کند، که در آن روزگار بر همگان واجب است یکدیگر را یاری رسانند و یکدیگر را نیرو بخشند در آخرالزمان، این مکارم اخلاقی و بزرگواری‌های انسانی است که پایه‌های حکومت جهانی اسلام را استحکام می‌سازند.

اما باقر(ع) می‌فرماید: «... حتی اذا قائم القائم جاء المزملة و یأتی الرجل الی کیس اخیه فیأخذ حاجته لا یمنعه».^(۲۰) به هنگام قیام قائم «آل محمد» آنچه دیده می‌شود دوستی و یگانگی و تعاون و الفت است تا آنجا که هرکس آنچه نیاز دارد، از جیب دیگری برمی‌دارد، بدون هیچ دشواری و بازدارنده‌ای.

به‌راستی تصویر و ترسیم چنین جامعه‌ای چقدر دلپذیر و دلنشین است. زیرا در حکومت و جوامع امروزی بخصوص غیرالهی رقابت و تفوق تنگاتنگ مادی در ساخته و زندگی‌های آنان موج می‌زند و اساس ارزشهای معنوی و کمالات انسانی را دگرگون ساخته و روح جمعی و تعاون و همکاری و برادری را رخت بر بسته و جوامع به دو دسته تقسیم شده: جامعه‌هایی که فقیر و گرسنه هستند و هرچه تلاش می‌کنند به

حقوق خویش نمی‌رسند و مداوم به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت سلطه‌ی زورمداران و سلطه‌گران و بالاخره صاحبان قدرت می‌باشند و هرگز توان خروج از این وضعیت آسفبار را ندارند. پس همیشه باید تحت سلطه و فرمان آنان باشند.

دسته‌ی دیگر از جوامع صاحبان ثروت و مکنات و قدرتند که چیزی را بنام ارزش و کرامت انسانی نمی‌شناسند و اصولاً ارزشهای کمالات انسانی را همان ثروت و قدرت و سلطه تعریف می‌کنند. و این چنین است که در روزگار ما در عصر حکومت جدید متأسفانه سرنوشت بنی‌آدم را در عصر حاضر همین‌ها به‌دست گرفته‌اند و برای آنان خط و نشان می‌کشند.

درست برخلاف آن در حکومت جهانی مهدویت، شیرازه نظام اجتماعی جهان بر تعادل و تعاون دور می‌زند آنچنان روحیه‌ها پرورش می‌یابد، غل و غش‌ها و ناخالصی‌ها و خودخواهی‌ها از میان می‌رود که «مزملة» یعنی دوستی‌ها خالص می‌گردد، پیوندهای اجتماعی و انسانی براساس تعادل و تعاون، راستی، درستی، یکدلی و یکرنگی استحکام پیدا می‌کند و خلاصه فرهنگ مهدویت جان‌ها را با تزکیه و افکار و اندیشه‌ها را با تعلیم به پاکی و پاکیزگی سوق می‌دهد.

۳- برقراری امنیت

در هر فرهنگ و حکومتی، امنیت اجتماعی اصل است. از مهم‌ترین نیازهای اساسی بشر، برقراری امنیت است، امنیت سیاسی، قضایی، قانونی، اقتصادی، حقوقی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی، خانوادگی.

بستر زندگی سالم و جامعه صالح و با امنیت و آرامش را فراهم می‌سازد.

قهرأ جامعه‌ی این چنینی آثار و برکاتی دارد که پیوندهای انسانی و اجتماعی با آرامش و بی‌تنش شکل می‌گیرد. تلاش‌های اقتصادی با رونق و شادابی انجام می‌گیرد، رفتارهای ناهنجار اخلاقی و خشونت‌ها و خشم‌ها فروکش می‌کند، قانون‌گرایی رواج می‌یابد. صاحبان ثروت و قدرت خون فرودستان را نمی‌مکند. فاصله بین دولت‌مردان و رعیت از بین می‌رود، میدان برای نقد و نظر فراهم می‌گردد و کاستی‌ها از روی خیرخواهی گفته می‌شود. نقطه‌های

قوت دولت مردان به دور از چاپلوسی و گزافه‌گویی مطرح می‌گردد.

همه افراد جامعه براساس احترام متقابل به یکدیگر نگاه می‌کنند و به یکدیگر اعتماد می‌کنند و در نتیجه همگان با احساس مسئولیت همدیگر را نصیحت می‌کنند.

از مهم‌ترین محصولات امنیت، پدیدار شدن نشانه‌های عدالت است و مردم وحدت و همبستگی بیشتری پیدا می‌کنند و در این صورت است که راه‌های نفوذ هجوها و شیخونهای دشمنان داخلی و خارجی را با تمام توان می‌بندند و آقای و سربلندی خویش را پاس می‌دارند.

و یکی از خصائص و ویژگی‌های حکومت جهانی مهدویت برقراری امنیت به معنای اعم آن است، همه‌جا و در همه‌ی موارد ذکر شده، امنیت و آرامش در حد اعلامی آن توسعه و گسترش پیدا می‌کند و در آن حکومت جان و مال و ناموس و آبروی مردمان از هر گزند و آسیبی در امان می‌ماند.

شاید آیه‌ی شریفه‌ی سوره نور بر همین مورد یعنی حکومت جهانی آن حضرت تطبیق پیدا کند.

«ولیبذلّهم من بعد خوفهم أماناً» (۳۱)

امام صادق (ع) می‌فرماید: آیه‌ی شریفه درباره‌ی حکومت امام زمان است و سپس ادامه می‌دهند «در آن زمان چندان امنیت بر سراسر جهان گسترده می‌شود که از هیچ چیز به چیز دیگر، زیان نمی‌رسد، ترس و وحشتی به چشم نمی‌خورد. حتی جانوران و حیوانات در بین مردم رفت و آمد می‌کنند و نسبت به یکدیگر آزاری ندارند» (۳۲)

ایمان نیز که آرام‌بخشی دلهاست سایه خود را بر جامعه‌ی مهدوی می‌افکند. فضای آن روز جامعه، سرشار از اعتماد و اطمینان به یکدیگر است. در پرتو کلمه توحید دلها به هم نزدیک و ضریب ناامنیها به صفر می‌رسد» (۳۳)

متأسفانه در جامعه‌های عصر حاضر رقابت‌های بی‌هدف و ناسالمی که بر اثر ترس و عدم اعتماد از یکدیگر به‌وجود آمده و درد بی‌درمانی است که حکومت امروز آن را به ارمغان آورده و ملت‌ها را فراگرفته، ناسالمیهای خانوادگی و ناهنجاریهای اجتماعی در این‌گونه جامعه‌ها به‌خوبی نشان

می‌دهد که دنیای به اصطلاح متمدن امروز صنعتی و دارای تکنولوژی در برآوردن آرامش روحی و روانی ناتوان بوده است. گرچه توانسته است تا اندازه‌ای زمینه آسایش مادی و جسمی شهروندان را فراهم سازد. این واقعیت ثابت می‌کند که دنیای انسانها را نمی‌توان همیشه و همه‌جا با قراردادهای اجتماعی بی‌روح و خشک و بدون پشتوانه معنوی و ایمانی تربیت کرد، تا در آشکار و پنهان حریم حرمت و حقوق دیگران را نگاهدار باشند و همین حقیقت نیاز به آمدن شخص مصلح و رهایی‌بخش و نجات‌دهنده‌ای را که زمینه‌ساز امنیت همه‌جانبه باشد ثابت می‌کند.

در عقاید مسلمانان و پیروان حقه محمدی (ص) آن اصلاح‌گر و نجات‌دهنده و امنیت‌گستر، امام زمان حضرت حجة بن الحسن (ع) است که با قیام و ظهور خود امنیت را توسعه و می‌گستراند و این نیاز مهم انسانی را به جامعه انسانی ارزانی می‌دارد و زندگی آرام‌بخش را برای جهان بشریت فراهم می‌سازد و با تدبیر چهره‌ی حکومت هولناک و ترس‌آلود را به حکومت انسانی و امیدبخش بدل می‌کند.

۴- سامان‌دهی اقتصادی

در تعالیم دینی و آموزه‌های آن بین مسائل اقتصادی و مسائل معنوی پیوندی استوار دیده می‌شود. در این باب روایات فراوان است از جمله این روایت: پیامبر (ص) فرمود: «لولا الخبز ما صلینا ولا صمنا ولا آدینا فرائض ربنا» (۳۴)، بدون نان، نه عبادت می‌توان کرد و نه روزه می‌توان گرفت و نه واجبات دیگر را می‌توان انجام داد.

«ثلاثة تحتاج الناس طراً إليها: الامن والعدل والخصب» (۳۵) سه چیز است که همه مردم به آن نیاز دارند: امنیت، عدالت و فراوانی ارزاق.

در روایات اسلامی آمده است که در فرهنگ و عدل جهانی و حکومت جهانی مهدویت (ع) این واقعیت نوید داده می‌شده که آن حضرت رفاه اقتصادی را همراه با عدالت اجتماعی به‌گونه‌ای گسترده و فراگیر، فراهم خواهد آورد. (۳۶)

و نیز در حدیث دیگر نقل شده که آن

حضرت در پرتو مدیریت شایسته و سالم و برنامه‌های جامع و سیاستهای واقع‌نگر، زمینه‌ی شکوفایی استعدادها فراهم می‌آید، تلاش و کوشش مردم با انگیزه‌های معنوی در می‌آمیزد و بهره‌گیری از منابع طبیعی و خدادادی دوچندان می‌شود. (۳۷)

در حدیث دیگر فرموده: «کار وجهه‌ی عبادت و تکلیف به خود می‌گیرد نیروهای بالقوه و پنهان میدان بروز و ظهور می‌یابند، خلق و خوی مردم دوستی و خدمتگزاری در بین مردم، رشد می‌کند» (۳۸)

در چنین جامعه‌ای زندگی اقتصادی، چهره نوینی پیدا می‌کند و همگان از زندگی سالم و به دور از تشویش خاطر و نگرانی و اضطراب بهره‌مند می‌شوند. (۳۹)

بواسطه‌ی پیشرفت علم و صنعت تکنولوژی در زمان آن حضرت منابع جدید و ناپیدا کشف می‌شوند، و زمین آنچه در درون خود دارد بیرون می‌افکند و بهره‌برداری از آن آغاز می‌شود» (۴۰)

براساس روایات در حکومت جهانی مهدویت (ع) فرآورده‌هایی به جامعه عرضه می‌شود که تا آن روز بر بشر ناشناخته بوده است. راه‌های تولید سالم و توزیع عادلانه به‌عنوان ارزش وظیفه‌ایمانی و دینی نمودار می‌شود و در نتیجه، اقتصاد جامعه، در پرتو مدیریت صحیح آن حضرت شکوفا می‌شود و برکت و فراوانی نعمت، سرتاسر جهان را فرا می‌گیرد و همه از نعمت الهی به آسانی استفاده می‌برند.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «ینعم اقی فی زمن المهدی (عج) نعمة لم یتنعموا قبلها قط، یرسل السماء علیهم مدراراً ولا تدع الارض شیئاً من نباتها الا اخرجته» (۴۱) فرمود: پیروان من در زمان حکومت جهانی مهدی (عج) به آسایش و به نعمتهایی دست می‌یابند که بیش از آن در هیچ دوره‌ای از حکومت‌های گذشته به آن دست نیافته‌اند. در آن دوره آسمان باران فراوان می‌بارد و زمین نیز تمام رویدنیهایش را بیرون می‌اندازد.

قرآن در این باره می‌فرماید:

«ولو ان اهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء والارض» (۴۲)؛ اگر مردم قریه‌ها ایمان آورده و پرهیزگاری پیشه کنند، برکات آسمان‌ها و زمین را به رویشان می‌گشاییم».

ریزش رحمت‌ها و برکات از سوی پروردگار می‌شود اگر فضای جامعه، فضایی معنوی و الهی باشد و زبان‌های دعاگو، آلوده به گناه نگردد و لقمه‌ها حلال و قصد نیت‌ها خدایی، بی‌شک رزق و روزی‌ها فراوان‌تر می‌گردد.^(۳۳)

روشن است هنگامی که پیوند انسانها بر پایه عدالت و نیکی شکل می‌گیرد، بینوایان و مستمندان از یاد نمی‌روند و هر کسی مرز خود را می‌شناسد و به حقوق دیگران، دست دراز نمی‌کند.

در چنین جامعه‌ای نعمت‌ها و بخشش‌های پروردگار بر مردمان فرو می‌ریزد و بسیاری از گرفتاریهای اجتماعی، برطرف و بن‌بست‌های اقتصادی گشوده می‌شود و راه برای پیشرفت هموار می‌گردد.

زیرا در قرآن وعده داده شده: «من عمل صالحاً من ذکر او انثی و هو مؤمن فلنحییته حیوة طیبة و لنجزینهم اجرهم باحسن ما کانوا یعملون»^(۳۵) حکومت حضرت مهدی (عج)، حیات طیبه، بر پایه ایمان و عمل صالح رخ می‌نماید. از یک‌سو طمع‌های زاید مهار می‌گردد. مساوات و عدالت دامن می‌گستراند. بخل و تنگ‌چشمی، دامن بر می‌چیند و از سوی دیگر، انگیزه‌ها برای تلاش بیشتر و خالص‌تر می‌شود و استفاده‌ی بهتر و سالم‌تر از طبیعت آماده می‌گردد. طبیعی است که زمینه‌ی فراوانی نعمت‌ها و رونق مسائل اقتصادی نیز پدید آید و گسترش یابد.

امام علی (ع) در این باب می‌فرماید: «و تخرج له الارض اقلید کبدها و تلقی الیه سلماً مقالیدها فیریکم کیف عدل السیرة و یحیی میت الكتاب والسنة».^(۳۶) زمین گنجینه‌های خود را برون اندازد و کلیدهای خویش را از در آشتی، تسلیم او سازد، پس روش عادلانه را به شما بنماید و آنچه از کتاب و سنت مرده است زنده کند.

۵- رشد عقل و گسترش دانش

در نظام و حکومت اسلامی، عقل جایگاه ویژه‌ای دارد و رکن حرکت و تلاش به‌شمار می‌رود عقل ستون نیمه‌ی دین

می‌سود و سبب‌های سوس است. است که گوهر و جوهر دین را می‌شناسد و به انسان می‌فهماند و دستور می‌دهد در برابر آن سر فرود آورد، و به فرمانهایش گردن نهد. خلاصه، عقل، راهنمای انسان است به‌سوی زیباییها، خوبیها، ارزشها، راستی‌ها و پرهیزدهنده از خطرها. از این‌رو در قرآن از عقل به خردورزی،^(۳۷) اندیشیدن^(۳۸) به علم و دین آگاه شدن^(۳۹) و فرزاندگی^(۴۰) سفارش بسیار شده است، و در فقه اسلامی نیز عقل یکی از منابع چهارگانه اجتهاد به‌شمار می‌رود که اجتهاد بدون در نظر گرفتن این رکن مهم و پایه استوار، ناتمام است. امام صادق (ع) درباره‌ی پرسش شد جایگاه عقل در زندگی بشر چگونه است؟ حضرت در پاسخ می‌فرماید: «العقل ما عید به الرحمن و اکتسب به الجنان». یعنی عقل چیزی است که به آن خداوند عبادت می‌شود و بهشت به‌دست می‌آید. سپس سؤال‌کننده پرسید: آنچه معاویه در زندگی خود به کار بست چه بود؟ حضرت در پاسخ فرمود: «تلك النکراء، تلك الشیطة و هی شیهة بالعقل و لیست بالعقل»^(۴۱) یعنی آنچه معاویه داشت، نیرنگ، فریب و شیطنت بود و آن مانند عقل بود نه خود عقل.

در حکومت اسلامی مهدویت (ع) عقل و بندگی، عقل و اخلاق، عقل و ارزش و عقل و تقوا پیوند ناگسستنی دارند. هرگاه عقل با یکی از اینها که برشمردیم و صدها ارزش والای دیگر، همراه نبود از مدار خارج می‌شود و جامعه به نیرنگ می‌آلاید و هرگونه سودجویی، استثمار، استعمار و به بردگی واداشتن دیگران، خردورزی نام می‌گیرد. علم و تکنولوژی که دستاورد عقل و خرد است، اگر با عقل سالم، عقل به دور از هوی و هوس و اگر عقل به دور از آلودگی‌ها به‌کار گرفته نشود، فاجعه به بار می‌آورد، همان فاجعه‌ای که امروز شاهد آن هستیم.

عقل سالم، محور جامعه انسانی و حکومت اسلامی است که راهنما به سوی نیکی‌ها، زیباییها و ارزشهاست. عقل است که با اخلاق همراه و هم‌خانه و همزاد است و جدایی بین آنها در پندار ننگند.

اسم ساقی (ع) می‌فرماید: «ان یحب من کان عقلاً، عاملاً، فیهماً، فقیهاً، حلیماً، مداریاً، صبوراً، صدوقاً و وفیاً».^(۳۳) ما دوستار کسانی هستیم که عقل، دانش، فهم، فقاقت، بردباری، نرمش و صبر دارند و اهل وفا و راستی‌اند.

امام صادق (ع) فرمود: «العلم سبعة و عشرون حرفاً فجمع ما جاءت به الرسل حرفان فلم یعرف الناس الیوم غیر حرفین، فاذا قام قائمنا اخرج خمسة والعشیرین حرفاً فبثها فی الناس و ضم الیهما الحرفین حتی یتبها سبعة و عشیرین حرفاً».^(۳۳) علم و دانش بیست و هفت بخش دارد، که بشر تاکنون دو بخش از آن را آموخته است. به‌هنگام حکومت جهانی مهدویت (عج) بیست‌وپنج باب دیگر بر آن افزوده خواهد شد و در میان جامعه گسترش می‌یابد.

روشن است که با پیشرفت علم به رهبری پیشوای عالم و عادل، زمینه توسعه همه‌سویه و بهبود زندگی مردمان فراهم خواهد آمد و تغییر عمیق پیدا خواهد شد.

از آنجا که علم، تیغ دودم است، اگر به دست نااهل سپرده شود، ویران‌گری به بار می‌آورد در برنامه‌ی آن حضرت «حضرت مهدی (عج)» تکامل اخلاقی، در کنار تکامل علوم نیز پیش‌بینی شده است.

امام باقر (ع) فرمودند: «اذا قام قائمنا وضع ید علی رؤس العباد فجمع به عقولهم و اکمل به اخلاقهم».^(۳۴) در حکومت جهانی مهدویت دست محبت و امامت بر سر بندگان می‌نهد.

رشد عقلانی همراه با رشد اخلاقی، جامعه‌ای رشید به‌وجود می‌آورد که شایستگی اداره تمام جهان را پیدا می‌کند.

امام علی (ع) در این باب می‌فرماید: «یعطف الهوی علی الهدی اذ عطفوا الهدی علی الهوی و یعطف الرأی علی القرآن اذا عطفوا القرآن علی الرأی»^(۳۵) خواهش نفسانی را به هدایت آسمانی بازگرداند، و آن هنگامی است که - مردم - رستگاری را تابع هوی ساخته‌اند و رأی آنان را پیرو قرآن کند، و آن هنگامی است که قرآن را تابع رأی خود کرده‌اند.

۱- معلوم شد که روح حکومت جهانی اصلاحی امام زمان(عج) که دورنمایی از حکومت والا و متعالی الهی قرآن است که تربیت و انسان سازی را با عقلانیت و سیاست سازش داده است و نتیجه‌ی آن رهایی انسانهای گرفتار در بند هوا و هوس و راهنمایی و ارشاد آن به سوی فضایی روشن و سعادت همه‌جانبه است.

۲- و نیز معلوم شد، که در فرهنگ و حکومت مزبور عقل و اخلاق طوری بهم پیچیده شده که جداسازی آن دو از یکدیگر کاری است ناشدنی. خردورزی و تکامل مادی و معنوی، کامل‌کننده و یاری‌رسان یکدیگرند.

۳- و نیز معلوم گشت که بدون دین و ارزشهای دینی و اخلاقی، بنیان‌های مدینه و حکومت هم سست و ناپایدار است.

۴- و نیز روشن شد: مدینه فاضله‌ی حکومت جهانی مهدویت(عج)، سرشار از شکوفایی و بالندگی عقل‌ها و اندیشه‌ها است، علوم و فنون تکامل می‌یابد و بشر هر روز به شناخت‌های تازه و نویی دست می‌یابد، دانایی و دانش بر جهل و غفلت، غلبه می‌یابد. تکنیک و صنعت در مسیر انسانیت قرار می‌گیرد آن حضرت با نفس قدسی و پاک خویش بستر گسترش دانش‌ها و ارزش‌ها را فراهم می‌سازد و بازدارنده‌ها و موانع را از سر راه بشر دور می‌سازد.

■ ویژگی‌های کارگزاران حکومت جهانی مهدویت(عج)

در حدیثی از امام علی(ع) صفات کسانی که با حضرت بیعت می‌کنند و بعد جزء کارگزاران حضرت قرار می‌گیرند، نقل شده، حدیث عبارتست از:

«یبایعون علی أن لا یسرقوا ولا یزنوا ولا یسبوا مسلماً ولا یقتلوا محرماً ولا یهتکوا حرماً محرماً ولا یهجموا منزلاً، ولا یضربوا احداً الاً بالحق، ولا یکنزوا ذهباً ولا فضةً ولا بزاً ولا شعیراً، ولا یأکلوا مال الیتیم، ولا یشهدوا بما لا یعلمون ولا یخربوا مسجداً، ولا یشربوا مسکراً، ولا یلبسوا الخبز ولا الحریر، ولا یتمنطقوا

من بز، ولا شعیر، و یرضون بالقلیل، و یشتمون علی الطیب، و یکرهون التجاسة، و یأمرون بالمعروف، و ینهون عن المنکر و یلبسون الخشن من الثیاب و یتوسدون التراب علی الخدود، و یجاهدون فی الله حق جهاده، و یشترط علی نفسه لهم: أن یمشی حیث یمشون، و یلبس کما یلبسون، و یرکب کما یرکبون، و یکون من حیث یریدون و یرضی بالقلیل، و یملاً الارض بعون الله عدلاً کما ملئت جوراً یعبد الله حق عبادته، ولا يأخذ حاجباً ولا بواباً. (۳۶)

- ۱- دزدی نکنند.
 - ۲- زنا نکنند.
 - ۳- به هیچ مسلمانی دشنام ندهند.
 - ۴- خون حرامی نریزند.
 - ۵- ابروی کسی را که احترامش لازم است لگدمال نکنند.
 - ۶- به خانه‌ی کسی حمله نکنند.
 - ۷- کسی را به ناحق کتک نزنند.
 - ۸- طلا و نقره و گندم و جو ذخیره نکنند.
 - ۹- مال یتیم نخورند.
 - ۱۰- به چیزی که نمی‌دانند، گواهی ندهند.
 - ۱۱- مسجدی را ویران نکنند.
 - ۱۲- مشروبات الکلی نخورند.
 - ۱۳- جامه‌ی حریر و ابریشم نباشند.
 - ۱۴- کمریند ززین نبندند.
 - ۱۵- راهزنی نکنند.
 - ۱۶- راه‌ها را ناامن نکنند.
 - ۱۷- هم‌جنس بازی نکنند.
 - ۱۸- مواد خوراکی چون گندم و جو را احتکار نکنند.
 - ۱۹- به مقدار اندک خشنود باشند.
 - ۲۰- عطر بزنند.
 - ۲۱- از پلیدیها دوری کنند.
 - ۲۲- مردم را به نیکبها فرمان دهند.
 - ۲۳- دیگران را از زشتیها باز دارند.
 - ۲۴- لباس خشن نباشند.
 - ۲۵- خاک را بالش خود قرار دهند.
 - ۲۶- در راه خدا آن‌گونه که شایسته است جهاد کنند.
- همان‌طور که در حدیث فوق آمده در نظام و حکومت مهدوی کارها و پست‌ها، به شایستگان واگذار می‌شود، ثروت‌های غصب شده به صاحبان ثروت برگردانده می‌شود.

سرزمین‌سواران و حیاسنپیشه‌سان خارج می‌شود، درهای رفاہ و بهره‌مندی سالم از طبیعت و رزق و روزی حلال به روی مردم گشوده می‌شود، دیو فقر و تنگدستی زوزه‌کشان سرزمین حکومت جهانی مهدویت را ترک می‌کند.

همگان در اوج عزت و به دور از هرگونه منت و ذلت، روزگار را می‌گذرانند. (۳۷)
به امید ظهورش، انشاءالله

پی‌نوشت‌ها:

۱. سوره مائده، آیه ۵۵.
۲. مرتضی مطهری، انسان کامل، ص ۱۶۰.
۳. منتخب الآثار، ص ۲۳۲.
۴. سورهی حدید، آیه ۲۵.
۵. سوره نحل، آیه ۹۰.
۶. نهج البلاغه، حکمت ۳۲۲.
۷. همان، حکمت ۲۳۱.
۸. سوره یوسف، آیه ۴۰.
۹. تفسیر نورالتقین، ص ۸۷.
۱۰. شیخ صدوق کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۷۲.
۱۱. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۰۵، حدیث ۱۲۰۳.
۱۲. سوره قصص، آیه ۲۵.
۱۳. سوره عصر، آیه ۴ و ۵.
۱۴. سوره مائده، آیه ۲.
۱۵. مرتضی مطهری، حکمتها و اندرزها، ص ۳۳۰.
۱۶. شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۳، ص ۲۱۸.
۱۷. جعفر سبحانی، فروع الهدی، ج ۲، ص ۱۲۶.
۱۸. سوره حشر، آیه ۹.
۱۹. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۱۴.
۲۰. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲.
۲۱. سوره نور، آیه ۵۵.
۲۲. ابراهیم بن محمد نعمانی، کتاب التیبه، ص ۳۳۰.
۲۳. کمال‌الدین شیخ صدوق، ج ۲، ص ۶۴۶.
۲۴. کافی، ج ۵، ص ۷۳، حدیث ۱۲.
۲۵. تحف العقول، بیروت، ص ۳۳۶.
۲۶. بحارالانوار، ج ۲، ص ۳۶۲، حدیث ۱۳۱.
۲۷. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷.
۲۸. همان، ج ۵۱، ص ۸۴.
۲۹. همان، ص ۷۸.
۳۰. همان، ص ۸۲.
۳۱. همان، ص ۸۳.
۳۲. سوره اعراف، آیه ۹۶.
۳۳. سوره نحل، آیه ۹۰.
۳۴. سوره نوح، آیات ۱۰ و ۱۱.
۳۵. سوره نحل، آیه ۹۷.
۳۶. نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، خطه ۱۲۸.
۳۷. سوره یوسف، آیه ۲.
۳۸. سوره آل عمران، آیه ۱۹۳.
۳۹. سوره توبه، آیه ۱۲۳.
۴۰. سوره نساء، آیه ۸۲.
۴۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۱، حدیث ۲.
۴۲. تحف العقول، ص ۲۶۶.
۴۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.
۴۴. همان.
۴۵. نهج البلاغه، خطه ۱۲۸.
۴۶. عبدالرحمن انصاری، در انتظار خورشید ولایت، ص ۲۸۴ به نقل از: آیة‌الله صافی «منتخب الآثار»، ص ۲۶۹.
۴۷. همان، ص ۲۸۶.